

دربچه

درباره «گلچهره سجادیه»

به مناسبت زادروز

بازیگری ماندگار

یاسمن خلیلی‌فرد

● چندی قبل مستندی را به کارگردانی سهیل سلیمی تماشا می‌کردم که راجع به زندگی «ثریا قاسمی» بود. در پایان مستند ایشان از تبعیض‌هایی که در فضای هنری میان بازیگران زن و مرد گذاشته می‌شود، کله کردند که بحق بود. نخستین نکته‌ای که پیش از آغاز نوشتن درباره «گلچهره سجادیه» به ذهنم رسید، همین مهجوریتش در عین ماندگاری اوست. سجادیه بازیگر توانمندی است که در عین‌گزیده‌کاری همیشگی‌اش هرگز فراموش نشد و نسل‌های مختلف او را با بازی‌های متفاوتش به یاد می‌آوردند. سجادیه متولد ۱۳ مرداد ۱۳۳۳ است و از نسل میانه بازیگران؛ از همان هنرمندانی که برای ورود به عرصه هنرهای نمایشی خود را موظف به پشت‌سرگذاشتن تحصیلات اکادمیک در این رشته‌ها می‌کردند و عموماً در هر فیلمی ظاهر نمی‌شدند و حضور در نمایش‌های قابل اعتنا برای‌شان ارجحیت داشت. سجادیه تحصیلات خود را در رشته تئاتر در دانشکده هنرهای زیبا به اتمام رساند و در همان دوران دانشجویی در چند نمایش روی صحنه رفت. او سینما را نخستین‌بار در سال ۱۳۵۶ با بازی در نقشی کوتاه در فیلم «کلاغ» بهرام بیضایی تجربه کرد و در سال ۱۳۵۹ در فیلمی به نام «موج طوفان» بازی کرد. سجادیه چند سالی به ایتالیا رفت و تحصیلاتش را ادامه داد. در سال ۱۳۶۵ به ایران بازگشت. او در فیلم «ایستگاه» زنده‌یاد پیدالله صمدی برای نخستین‌بار ایفای نقش اول شد. در سال ۱۳۶۷ در فیلم «سفر عشق» که ملودرامی متوسد بود، به ایفای نقش پرداخت. فیلم تا حدودی دیده شد؛ اما سکوی پرتاب سجادیه سریال «رعا» است؛ مجموعه‌ای با فیلم‌نامه قوی و نقشی پرکشش که فرصت نمایش توانایی‌هایش را به او داده بود. فیلم بعدی او «ندان مار» مسعود کیمیایی بود که آن را در سال ۱۳۶۸ بازی کرد. زنان در فیلم‌های کیمیایی فارغ از دیدگاه‌های مترجعه‌انه واحد هویت‌اند و نقشی کارکردی را در پیشبرد درام ایفا می‌کنند. زیور «ندان مار» نقشی پررنگ و متفاوت از سایر نقش‌های سجادیه است و برای نخستین‌بار جایگاه او را در حد گزینه‌ای قابل اعتنا برای ایفای نقش‌های اول زن در سینمای ایران بالا می‌برد. این موفقیت کیمیایی را برن آن داشت تا بار دیگر در سال ۱۳۶۹ از سجادیه برای ایفای نقش گلیخت فیلم «روهبان» دعوت کند. این همکاری در «رد پای گرگ» نیز ادامه یافت. حضور در فیلم‌های مسعود کیمیایی نقطه طلایی کارنامه گلچهره سجادیه در سینماست، اما آنچه از نگاه اجتماعی به کارنامه کم‌حجم اما پربار سجادیه می‌رسد پندیری بالای او است. در انتخاب و تجربه نقش‌های متنوعی است که ضمناً توانمندی او را نیز اثبات می‌کند. مثلاً کافی است بازی او را در فیلمی مانند «هیوط» با بازی کاملاً زانیس‌اشی در «سرزمین خورشید» مقایسه کنیم. او برای هر دو نقش کاندیدای جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن از جشنواره می‌شود و تفاوت نوع نقش آفرینی‌های او از زمین تا آسمان است. نقش زن امدادگر فیلم «سرزمین خورشید» نقشی بود که سیمرغ بلورین را برای این بازیگر گزیده‌کار به ارمغان آورد. نقشی پویا و پرتحرک با ویژگی‌های عمیق درونی. «هیو» فیلم دیگری در ژانر دفاع مقدس است که سجادیه در آن می‌درخشد. با وجود مشترک‌بودن ژانر این فیلم با «سرزمین خورشید» نقش‌ها کاملاً متفاوت‌اند و برای‌های متفاوت را از توانمندی‌های این بازیگر ارائه می‌دهند. با وجود آنکه بازی‌های سجادیه عموماً مورد تحسین قرار گرفته‌اند و احتمالاً پیشنهادهای متعددی داشته است، او ابایی از سه سال دوری از سینما نداشت. پس از موفقیت چشمگیر «هیو» سجادیه تا سال ۱۳۸۰ در فیلمی ظاهر نشد و دهه ۸۰ را با بازی در «نگین» آغاز کرد. فیلم به یکی از معضلات حساس اجتماعی آن دوران یعنی دختران فراری می‌پرداخت. سجادیه در آن ایفای نقش اصلی زن در کنار مهناز افشار بود. آذر «نگین» در یک بزنگاه تنگ اخلاقی قرار دارد. او مادری برهکار است که به‌بنابر برای نجات دخترش از زندان قرار کرده است. نقش نیازمند دو نوع بازی بود؛ یک وجه از کاراکتر، زنی خلاف‌کار است و وجه دیگر آن مادری که به هر طریق قصد نجات دخترش را دارد. با آنکه بازی سجادیه مثل همیشه روان و پراویزپذیر است؛ اما «نگین» آن‌قدر که باید، مورد توجه قرار نگرفت و همین مسئله به سواس سجادیه برای انتخاب نقش‌هایش مدام زد. او تا سال ۱۳۸۷ در فیلم دیگری بازی نکرد و «حوالی اتوبان» فیلم خوبی بود که شخصیت پردیس در آن موقعیت ممتازی را برای سجادیه فراهم آورد تا بار دیگر نقشی پرمایه از خود به جا بگذارد. اما در سال ۱۳۹۶ سجادیه پس از چند کار تئاتر با سریال «آنام» بازگشتی جسورانه را به عرصه تصویر تجربه کرد. مارال سریال «آنام» یک نقش اول با پتانسیلی بالااست برای بازیگری که همواره کوشیده است نقش‌های مهم و کلیدی را انتخاب کند و با عبور نقش از خود، آن را به بالاترین کیفیت ممکن برساند. سجادیه در طول سال‌های فعالیتی‌اش ثابت کرده که تمام وجود خود را در اختیار نقش می‌گذارد و آن‌قدر شکیبایی می‌کند تا نقشی را به دست بیاورد که ارزش بازی‌کردن داشته باشد و این را ماندگاری اوست. او بازیگری است که به‌دور از حواشی سال‌ها به فعالیتش ادامه داده و شاید آن‌قدر که باید، تشویق نشده باشد؛ اما هیچ‌گاه از ذهن‌ها نرفته است.



فرانک آرتا

انتخابات هیئت‌مدیره خانه عرص زر دوشنبه ۲۰ مرداد در محوطه باز بنیاد سینمایی فارابی برگزار شد و اعضای آن انتخاب شدند. با توجه به حساسیت این موضوع با پُژمان مظاهری‌پور که به نمایندگی از صف کارگردانان مستند به هیئت‌مدیره خانه سینما راه یافت، گفت‌وگویی کردیم که به این شرح است:

کاهمان‌طور که می‌دانید «خانه سینما» در شرایط خاصی قرار دارد. در این دو سال اعتراضاتی به وضعیت مدیریت خانه سینما مطرح شده که به برخی دلواپسی‌ها دربارهٔ ادارهٔ خانه دامن زده است. شما دراین‌باره چه تحلیلی دارید؟

قبل از هر چیز باید بگویم که این هیئت‌مدیره خودش را متعلق به تمام سینمای ایران و اصنافش می‌داند. هدف ما ایجاد یکپارچگی و همدلی بین اعضای خانه سینماست.

الان کشور در شرایط خاصی است که منجر به تعطیل‌شدن تولید در عرصه‌های اقتصادی، خدماتی و فرهنگی شده. این محدودشدن تولید طبیعتاً روی سینما هم تأثیر گذاشته و بالطبع خانه سینما هم از این شرایط خاص متأثر است؛ بنابراین همه مسائل دست به دست

هم داده تا در این شرایط قرار بگیریم.

قبل از هر چیز از نظر شما یک خانه سینمای

ایدهال چه مختصاتی دارد؟

یک خانه سینمای ایده‌آل یک سندیکا و اتحادیه است. بهتر است که به تعریف اصلی صنف برگردیم. صنف متشکل از افرادی است که در حرفه خودشان متخصص هستند و در کنار هم جمع می‌شوند. در هیچ سازمان و ارگان حکومتی و دولتی استخدام نیستند. حقیی را که از اقتصاد و جامعه می‌خواهند، از طریق صنف مطالبه می‌کنند. از کلمه «مطالبه» استفاده می‌کنم؛ چون طلب دارند. حق و حقوقی مانند بیمه درمان، بیمه بازنشستگی و معیشت را از طریق صنف مطالبه می‌کنند. اگر بتوانیم این چرخه ایده‌آل را در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوئیم خانه سینمای موقفی خواهیم داشت.

شما به نمایندگی از صف مستندسازان در این انتخابات شرکت کردید. دست‌کم خواسته‌های این صنف از هیئت‌مدیره چیست؟

الان سرنوشت کلیت سینما هم شبیه سینمای مستند شده است!

کاجطور؟

یعنی ارکان و فروش ندارد و دچار بحران شده است. تازه همه سینما آنچه را که تاکنون فقط مستندسازان کشیده‌اند، دارد تجربه می‌کند. این نکته مهمی است. بچه‌های مستندساز قبل از شرایط کرونا، کرونازه بودند! چون اعتبارات سینمای مستند بسیار کم است و تازه هر روز اعتبارات را هم کمتر کرده‌اند و مستندساز به یک فرد فشرده‌ای تبدیل شده که خودش به‌تهنایی فیلم‌برداری، مونتاژ و بقیه کارها را انجام می‌دهد؛ چون با این پول‌های کم به شکل طبیعی یک انسان، نمی‌تواند زندگی کند، چه برسد به فیلم‌سازی؛ که طبیعتاً بر کیفیت کار هم تأثیر می‌گذارد. نکته دوم اینکه در حوزه سینمای مستند بسیاری از مشکلات را سازمان‌های دولتی به‌ویژه روابط‌عمومی‌های آنها ایجاد می‌کنند؛ برای مثال در وزارتخانه‌هایی که روابط‌عمومی‌های فعالی وجود دارد، پول‌هایی که برای ساخت فیلم‌های مستند تخصیص داده می‌شود – بدون اینکه مشاوره‌های تخصصی در این زمینه وجود داشته باشد– صرف تولید فیلم‌های ضعیف می‌شود؛ خب همه این موارد آسیب‌ساز است. هر چند دو صنف «انجمن کارگردانان سینمای مستند» و «انجمن تهیه‌کنندگان سینمای مستند» حرف‌های بسیار زیادی دراین‌باره دارند و ما موظف هستیم حرف‌های این دو صنف را بشنویم، اتاق فکر تشکیل دهیم و برای بحث معیشت راهکارهای عملی ارائه دهیم؛ بنابراین بحث ما الزاماً بحث فرهنگی نیست که فقط به نمایش فیلم مستند و آشنایی مردم با فیلم مستند محدود شود. بخش دیگر آن مربوط می‌شود به معیشت و رفاه کسانی که فیلم مستند را می‌سازند؛ چون آنها باید از امکانات کافی برای زندگی برخوردار شوند تا بتوانند مثل بقیه افراد جامعه کارشان را درست انجام دهند.

به نظر شما در این شرایط، هیئت‌مدیره جدید چقدر می‌تواند به خواسته‌های صنف مختلف جامعه عمل بپوشاند؟

گفت‌وگو با پُژمان مظاهری‌پور، عضو جدید هیئت‌مدیره خانه سینما

بهتر است به تعریف اصلی «صنف» برگردیم



عنوان شد، چند رسانه در این زمینه موضع گرفتند که سلب‌ریتی‌هایی که درآمد میلیاری دارند باید مثل بقیه مردم مالیات بدهند؛ اما همه باید بدانیم که چهار، پنج هزار نفری که عضو خانه سینما هستند، همه‌شان سلب‌ریتی نیستند و معیشت آنها با قواعد مالیاتی جور در نمی‌آید. مگر دولت قحشان را می‌دهد که اینها هم مالیات بدهند؟ الان تناسب پندید با یک تعویض‌روغنی یا کلینیک دندانپزشکی یا پلافروشی؛ ما به مراتب بیشتر از آنها بیمه می‌دهیم. پس اینها محاسبات دقیق و درستی نیست و باید به این قضیه پرداخته شود. بیشتر کسانی که در حوزه سینما کار می‌کنند، افراد آسیب‌پذیری هستند.

درباره اعتراض‌ها به عملکرد خانه سینما چه تحلیلی دارید؟

خب یکی از اعتراض‌ها این است که خانه سینما

به سیستم دولتی یا وزارت ارشاد وابسته است؛ یعنی پول می‌گیرد و وابسته به دولت است. باید این واقعیت را در نظر داشت که دولت پول این سینما را می‌دهد. می‌توانیم اشخاص و جریان‌هایی را در نظر بگیریم که از بخش خصوصی پول می‌گیرند که همین‌طور هم هست؛ اما همه اینها در چارت دولتی جا می‌شود. باید در نظر گرفت که اصناف به‌جای اینکه از خانه سینما برای برگزاری برنامه‌هایشان پول بگیرند، سالانه باید پولی به خانه سینما برای گذراندن امورات خانه بدهند؛ درحالی‌که این قضیه کاملاً معکوس است و شاید برای وضعیت اقتصادی موجود که بیمه‌ها را خانه سینما باید پرداخت کند و موضوعات مختلفی دیگر، حلقه‌ای گمشده وجود دارد که این پول‌ها قرار است از کجا تأمین شود. استقلال و عدم اتکا به دولت نکات خوبی است. به هر شکل در کشوری زندگی می‌کنیم که دولت این پول‌ها را می‌دهد و مردم از آن اعتبارات و بیمه‌ها –اسمش را یارانه بگذاریم یا همیاری– ارتزاق می‌کنند.

کادر این میان اساسنامه موجود خانه سینما چقدر کارگشا است؟

اساسنامه خانه سینما بعد از بازگشایی خانه سینما در سال ۱۳۹۲ تبیین شده است و نیاز به بازنگری دارد؛ مثلاً درباره جزئیاتی که بر قانونی‌بودن اصناف تأکید می‌شود یا جزئیات حقوقی دیگری که کاملاً تخصصی است.

کاحتما می‌دانید که هنوز حساب‌های خانه سینما در وجه شخص حقیقی صادر می‌شود و هنوز حقوقی نشده است؛ الان چه باید کرد؟

درباره اینکه چرا حساب‌ها همچنان شخصی است، به‌طور شفاف باید گفت چون هنوز اصناف خانه سینما ثبت نشده بودند، مرحله ثبت خیلی طول کشیده و ما به‌عنوان «انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند»، اولین انجمنی بودیم که شناسه ملی و مجوز حقوقی را دریافت و اولین حساب حقوقی را افتتاح کردیم؛ یعنی «انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند» هم شناسه ملی، هم پرونده مالیاتی و هم حساب حقوقی به نام

انجمن صنفی در بانک دارد؛ اما زمان زیادی صرف شد. فکر می‌کنم صنف دیگر به هر دلیل درگیر این پروسه ثبت شده‌اند تا شماره ملی بگیرند.

اما حالا رسیدیم به جایی که انتخاباتی برگزار شد که همه اصناف شرکت دارند؛ یعنی تمام اعضای این مجمع که دیدید ثبت‌شده و دارای شناسه ملی است. طبیعتاً اینجا هیئت‌مدیره هم شناسه ملی دارند؛ یعنی نماینده انجمن‌های حقوقی هستند که شناسه ملی دارند، روند ثبت قانونی‌خانه سینما به نتیجه می‌رسد. در اینجا حساب خانه می‌تواند به حساب حقوقی تبدیل شود و طبیعتاً اعتباراتی که از خانه سینما مسدود شده، جاری شود. این گامی است که هیئت‌مدیره پیشین برداشته و امیدواریم از هیئت‌مدیره‌ای که تازه انتخاب شده، بتوانیم وارد آن حوزه شوئیم و حساب حقوقی داشته باشیم. اما طول می‌کشد که این اصناف در وزارت کار ثبت شوند و هم شناسه ملی دریافت کنند. نکته دیگر اینکه هم‌زمان با اتفاقاتی که می‌افتد، تغییری هم در سیستم مالی و نظارتی کشور بر حساب‌های بانکی و باز کردن حساب‌های حقوقی و بانکی در کشور داریم. تاریخ دقیقش را مطمئن نیستم سال ۹۶ بوده یا ۹۵؛ اما بانک مرکزی تمام بانک‌ها را موظف می‌کند که اشخاص حقوقی که می‌خواهند حساب باز کنند، باید شناسه ملی داشته باشند. «شناسه ملی» متعلق به اشخاص حقوقی و «کد ملی» متعلق به اشخاص حقیقی است. ثبت شناسه ملی مراحلی دارد، باید مجوز و پرونده مالیاتی، درآمد، اساسنامه و مکان مشخص داشته باشید و سیر بوروکراتیک را می‌طلبید. این هم یک مقدار طول کشید. شغلمان هم طوری است که هیچ‌وقت وارد این عرصه‌های حقوقی نشده بودیم، به عبارت دقیق‌تر با سیستم‌های مالی و حقوقی کشور آن‌چنان آشنا نبودیم. نکته دوم این است که به خاطر اینکه تا‌به‌حال صنف خانه سینما یا انجمن‌های خانه سینما ثبت نشده بودند، خانه سینما از بالا به پایین تشکیل شده یعنی اول اتحادیه صورت‌گرفت و بعد اصناف شکل گرفتند و بعد هم عضوگیری صورت گرفت. این قضیه به همان ابتدای تشکیل خانه سینما یعنی به اواخر دهه ۶۰ مربوط می‌شود.

کابری‌ها درباره نحوه انتخابات این دوره خانه سینما اشکالاتی را مطرح کردند. به نظر شما این انتخابات قانونی برگزار شد؟

انتخابات قانونی برگزار شد؟

آنچه گفته شده این است که چرا در این انتخابات ۲۰ صنف شرکت کردند. باید گفت ۲۰ صنف ثبت‌شده دارای شناسه ملی در این انتخابات شرکت کردند. همان‌گونه که وزارت ارشاد اعلام کرده که هرکس شناسه ملی نداشته باشد، ما حذف می‌کنیم.

اما ۱۲ صنف باقی‌مانده حذف نشدند. آنها هم دارند اصل‌احمل اداری ثبت را طی می‌کنند. قطعاً آنها هم از خانه سینما جدا نمی‌شوند. در این انتخابات هم ۲۰ صنف رای دادند. هشت صنف ناظر بودند و با امر انتخابات موافقت داشتند. فقط چهار صنف حضور نداشتند و تکلیف اصنافی که شناسه ملی ندارند، در حال روشن‌شدن است. علتش هم این است که برخی‌ها فکر کردند که فقط گرفتن مجوز وزارت کار کافی است، درحالی‌که باید در اداره ثبت اسناد و املاک کشور هم شناسه ملی بگیرند. شاید می‌توان گفت در آن زمان لزومش را حس نکردند یا متوجه الزامش نشدند و همین امر موجب شده که شناسه ملی را نگیرند. حالا هم الزامش را حس کردند و دنبال این‌ کار رفتند؛ بنابراین این انتخابات قانونی است.

کابری‌خی معتقدند که خانه سینما از وظایف ذاتی خود دور شده، پیشنهادتان برای مرتفع‌شدن مشکلات چیست؟

طبیعتاً با بحث فشارهای اقتصادی مانند بی‌کاری، محدودبودن منابع و گرانی که کل جامعه با آن درگیر هست، حوزه فرهنگ و هنر هم با چنین مشکلاتی دست‌به‌گریبان است. در این شرایط خیلی از امکانات و اقدامات درمانی یا حتی واردشدن به اموری مثل کفن‌ودفن و اسکان را باید کج‌دارومریز یا آن برخورد کرد. به مرور این قضیه محدودتر و محدودتر شد؛ به‌طوری‌که متأسفانه خانه سینما از محور اصلی وظایفش یعنی مشارکت در امر سیاست‌گذاری در حوزه سینما و تقویت بنیه این نهاد مدنی دور و به عبارت دقیق‌تر وارد یک نوع کار اورژانس شد! شیوع ویروس کرونا و قرارگرفتن در شرایط قرنطینه مزید بر علت شد و ما عملاً وارد وضعیت اضطراری شدیم. خانه سینما در موقعیتی قرار گرفت که اعضایش متأسفانه به هیچ‌کدام از امکانات مانند سیستم تأمین اجتماعی و بیمه قابل اتکا دسترسی ندارند. تنها مفری که می‌تواند کمک کند، اصناف هستند که آن‌هم باید به‌طور قانونی به خانه سینما وصل شوند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

تاکید بر پشتیبانی از بخش‌کنندگان فیلم ایرانی

● **گروه هنر:** دبیر شورای بین‌الملل سازمان سینمایی و معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی گفت: «حمایت از حضور فعالان سینمای ایران در رویدادهای جهانی، جنبه حمایتی دارد و منطقِ بر آیین‌نامه «حمایت از حضور بین‌الملل سینمای ایران» است». به گزارش روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، راند فریدزاده با اشاره به برخی اظهارنظرها در فضای مجازی درباره ارقام نوشته‌شده در شفاف‌سازی گزارش عملکرد بنیاد سینمای فارابی در سال ۱۳۹۸ و در حوزه بین‌الملل اظهار کرد: «باید توجه داشت که مجموع رقم مندرج در جدول حمایت‌ها برای یک سال، شامل کل هزینه‌های ارزی و ریالی است، هم هزینه‌های ریالی و هم هزینه‌های ارزی را دربر می‌گیرد و تمام هزینه‌کردها کاملاً شفاف است».

او متذکر شد: «برخلاف آنچه برخی سعی دارند با تمسک به آن موجب گمراهی افکار عمومی شوند، اساساً سرفصل هزینه‌ای بن عنوان «شورای بین‌الملل فارابی» و صرف هزینه دلاری به این نام و عنوان وجود ندارد؛ ضمن آنکه این هزینه‌کرد مثل روال سال‌های پیش، جنبه حمایتی دارد و براساس آیین‌نامه «حمایت از حضور بین‌الملل سینمای ایران» است که به تأیید شورای بین‌الملل سازمان سینمایی رسیده و توسط رئیس سازمان سینمای ایران تأیید شده و هرگونه اقدامی منطبق بر آن صورت می‌گیرد». فریدزاده اظهار کرد: «این آیین‌نامه مصوب از طرف سازمان سینمایی ابلاغ شده و بنیاد سینمایی فارابی هم درخواست‌های فعالان بین‌الملل سینما را براساس آن ضوابط، مورد بررسی و اقدام قرار می‌دهد؛ بنابراین هر یک از فعالان عرصه بین‌الملل که شرایط مندرج در آیین‌نامه را احراز کنند، مشمول این حمایت قرار می‌گیرند». دبیر شورای بین‌الملل سازمان سینمایی با اشاره به اینکه جداول منتشرشده در شفاف‌سازی سازمان سینمایی، باید توسط سینماگران و کارشناسان به دقت مطالعه شود و مورد تحلیل منطقی قرار گیرد، گفت: «در فهرست «آماده‌سازی و بازاریابی»، «عرضه فرهنگی و تجاری آثار» و «اعزام سینماگران به مجامع بین‌المللی» (پیوست ۹) در ردیف‌ها و ستون‌های مختلف آورده شده که چه حمایتی از افراد انجام‌شده و به‌وضوح مشخص است که برای مثال اگر کسی فقط هزینه بلیت سفر دریافت کرده، به چه کسی که هزینه بلیت سفر دریافت کرده، پرداخت شده و… و تفاوت هرکدام از این موارد کاملاً مشهود است». او ادامه داد: «برای یک فیلم‌ساز که فیلمش در یک جشنواره خارجی پذیرفته شده، طبق آیین‌نامه، فقط رقمی بابت حمایت از حضور وی در آن رویداد پرداخت شده؛ چراکه معمولاً این جشنواره خارجی، سایر هزینه‌های این حضور را تأمین می‌کند؛ اما اگر قرار باشد جدول براساس داده‌ها مطالعه نشود و مخاطب در یک جمله کلی بگوید «این‌ها پول گرفته‌اند تا به خارج از کشور بروند» دقیق و منصفانه نیست و اگر قرار باشد به شکل سطحی و به جدول شفاف‌سازی نگریسته شود، باید همراه این فهرست، مجموعه مفصلی داده‌تشریحی و توصیفی هم روی سایت قرار گیرد؛ همه این ارقام در فهرست شفاف‌سازی مشخص است اما تحلیل منصفانه آن داده‌ها، کمی هم به لامل و دقت نیاز دارد. ضمن آنکه اگر کسی به آیین‌نامه رجوع کند، متوجه می‌شود که صرفاً کسانی از این حمایت‌ها بهره‌مند می‌شوند که «واجد شرایط» باشند؛ یعنی با شرایطش در یکی از جشنواره‌های بین‌المللی معتبر پذیرفته شده باشد یا داور یک جشنواره معتبر باشد یا قرار است در ذیل «چتر سینمای ایران» یا حضور در بازارهای جهانی، راهی یک رویداد سینمایی جهانی شوند». فریدزاده متذکر شد: «در بخش سفر فیلم‌سازان به خارج از کشور، از افرادی که این شرایط را احراز کنند، حمایت می‌شود؛ اما اینکه در نتیجه این حضور، برای مثال یک فیلم حتما جایزه بگیرد و موفق شود یا نه، این بحث دیگر است. سازمان سینمایی با بنیاد سینمایی فارابی کمک می‌کند که فیلم‌ساز ایرانی و بخش‌کننده در آن رویداد حضور داشته باشد. مانند شرایطی که در جشنواره جهانی فیلم فجر یا جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان وجود دارد. در اینجا هم ما از میهمان خارجی میزبانی می‌کنیم و بخشی از هزینه‌های سفر توسط خود میهمان تأمین می‌شود». او اظهار کرد: «البته در آیین‌نامه حمایت، به جشنواره‌های خارجی تأکید شده و بیشتر وجه حمایت از بخش‌کنندگان را دارد». معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی در این زمینه توضیح داد: «حجم بیشتر این حمایت، برای حضور کارشناسان اقتصادی‌اش برای معرفی و بازاریابی محصولات سینمای ایران از اولویت بیشتری برخوردار است». فریدزاده در پایان یادآور شد: «وظیفه بخش بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی، حمایت از حضور جهانی آثار سینمای ایران و برنامه‌ریزی و تعامل جهت حضور آثار سینمایی در جشنواره‌ها، عرضه تجاری محصولات سینمایی به بخش‌کنندگان و شبکه‌های خارجی، خطوط هوایی، مذاکرات برای تولید مشترک، وصول درآمدهای حاصل از فروش خارجی و… است و همواره تلاش معاونت بین‌الملل بنیاد سینمای فارابی این بوده که با توجه به موانع و مشکلات اقتصادی این سال‌ها در عرصه بین‌الملل، فعالیت‌های مذکور با کاهش هزینه‌ها نسبت به گذشته تحقق یابد».



بماند» را با لهجه یزدی ساخته‌ام. همچنین موضوع فیلم کوتاه و مفهومی «مسافر» را که با موضوع شهدای سلامت بود، در وصف پرستاران و کادر بهداشت و درمان کشور ساخته شد، رقم زدم که مورد استقبال هم‌وطنان عزیزم قرار گرفت و این فیلم را به شهید نرجس خاتعلی‌زاده تقدیم کردم. تهیه‌کنندگی و طرح فیلم «هرم» نیز با موضوع روز شرکت‌های هرمی و مشکلات آن از دیگر فعالیت‌های بنده است. ضمن اینکه تهیه‌کنندگی یک تئاتر پرتعداد با عنوان «پرواز ۷۲۷» را با حضور دو چهره مطرح تئاتر و تلویزیون کشورمان خانم رابعه اسکویی و سپند امیرسلیمانی بر عهده داشتم. جا دارد از همه کسانی که من را در این مسیر همراهی کردند، به‌ویژه دوستانم در شهرستان اردکان، زادگاه پدری و همچنین مسئولان امر تقدیر و تشکر کنم.

گروه هنر: علیرضا طحان‌زاده، کارگردان جوان ۲۵ساله عرصه فیلم‌سازی کوتاه، از مسئولان هنری درخواست کرد که از جوانان عرصه فیلم کوتاه بیشتر حمایت کنند. او دراین‌باره به «شرق» گفت: «درحال حاضر حمایت از جامعه هنرمندان به‌ویژه کسانی که در حوزه فیلم‌سازی تلاش می‌کنند، می‌تواند بار بزرگی را از دوش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بردارد؛ چراکه با توجه به شرایط بیماری کرونا انگیزه و همچنین دسترسی برای تولید کارهای هنری بسیار محدود شده است. تجربه فیلم‌سازی بنده بسیار کم است، ولی در این مدت کوتاه متوجه شدم که امنیت‌نداشتن جامعه هنری و همراهی نکردن با آنها می‌تواند موجب بی‌انگیزه‌شدن و تولیدنشدن آثار هنری شود. امیدوارم آنان که در این راه قدم برمی‌دارند، مانند من دلسرد و گاهی ناامید نشوند».

او درباره کارنامه هنری خود توضیح داد: «تاکنون فیلم کوتاه «در خانه